

علل تاخیر و علل تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام.



”ظهور“، یک امر الهی است که حتماً واقع خواهد شد، اما خواست، اراده و همت مردم (به ویژه مسلمانان)، در تعجیل و یا تأخیر در آن، نقش مستقیم و بسیار مؤثری دارد.

”منتظر واقعی“، کسی است که همیشه و در هر شرایطی، ظهور را نزدیک می‌بیند و خود را آماده می‌سازد.

تحولاتی که در ایران و جهان اسلام رخ داده و آن چه که در سطح جهان در حال رخداد است [به ویژه در قیام‌ها و اعتراضات مردمی علیه ظلم و نظام سلطه] همه از علائم بارز نزدیکی ظهور می‌باشد، و البته باید به مسئله ”بداء“ در امر تعجیل و یا تأخیر، توجه نمود.

www.x-shobhe.com



مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

بزرگترین مصیبت برای بشریت غیبت امام زمان علیه السلام است. زیرا بشریت از برکات حضور آن حضرت محروم شده است. و علت تاخیر هم بخاطر این است که خداوند هر امامی را که فرستاد ظالمین آن امام را بشهادت رساندند. تا اینکه حضرت مهدی علیه السلام به امامت رسید ولی ظالمین تلاش کردند تا این آخرین حجت الهی را نیز بشهادت برسانند. لذا خداوند این امام را از دیدگان مردم غایب نمود که تاکنون بیش از هزار و صد و هشتاد و چهار سال است که حضرت در غیبت بسر می برند و فقط تعداد کمی توانستند حضرت را زیارت کنند خوشا بحالشان.

اینکه حضرت چه وقت ظهور می کنند و چرا در ظهورشان تاخیر شده و چکار کنیم تا ظهورشان زودتر اتفاق بیافتد در این کتاب به دلایل تاخیر و یا دلایل تعجیل ظهور آن حضر پرداخته شده است.

زمستان 1401. کرمانشاه

علل تاخیر و علل تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام.

الف: اما علل تاخیر ظهور امام زمان (ع) همان علل غیبت حضرت در سال 260 هجری قمری هست. همه اسرار غیبت بر ما روشن نیست ولی شاید نکته‌ای که گفتیم رمز اساسی غیبت باشد. در روایات ما، در زمینه علل و اسباب غیبت، روی چهار موضوع تکیه شده است:

الف- آزمایش مردم

چنانکه می‌دانیم یکی از سنتهای ثابت الهی، آزمایش بندگان و انتخاب صالحان و گزینش پاکان است. صحنه زندگی همواره صحنه آزمایش است تا بندگان از این راه در پرتو ایمان و صبر و تسلیم خویش در پیروی از اوامر خداوند تربیت یافته و به کمال برسند و استعدادهای نهفته آنان شکوفا گردد.

در اثر غیبت حضرت مهدی، مردم آزمایش می‌شوند: گروهی که ایمان استواری ندارند، باطنشان ظاهر می‌شود و دستخوش شک و تردید می‌گردند و کسانی که ایمان در اعماق قلبشان ریشه دوانده است،

به سبب انتظار ظهور آن حضرت و ایستادگی در برابر شدائد، پخته‌تر و شایسته‌تر می‌گردند و به درجات بلندی از اجر و پاداش الهی نائل می‌گردند.

امام موسی بن جعفر-علیه السلام-فرمود: هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید، مبادا کسی شما را از دین خارج کند. او ناگزیر غیبتی خواهد داشت، به طوری که گروهی از...مؤمنان از عقیده خویش بر می‌گردند. خداوند به وسیله غیبت، بندگان خویش را آزمایش می‌کند.

از سخنان پیشوایان اسلام بر می‌آید که آزمایش به وسیله غیبت حضرت مهدی، از سخت‌ترین آزمایشهای الهی است . و این سختی از دو جهت است

1. از جهت اصل غیبت، که چون بسیار طولانی می‌شود بسیاری از مردم دستخوش شک و تردید می‌گردند. برخی در اصل تولد و برخی دیگر در دوام عمر آن حضرت شک می‌کنند و جز افراد آزموده و مخلص و دارای شناخت عمیق، کسی بر ایمان و عقیده به امامت آن حضرت باقی نمی‌ماند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ضمن حدیث مفصلی می‌فرماید: مهدی از دیده شیعیان و پیروانش غایب می‌شود و جز کسانی که خداوند دل‌های آنان را جهت ایمان، شایسته قرار داده، در اعتقاد به امامت او استوار نمی‌مانند.

2. از نظر سختیها و فشارها و پیشامدهای ناگوار که در دوران غیبت رخ می‌دهد و مردم را دگرگون می‌سازد، به طوری که حفظ ایمان و استقامت در دین، کاری سخت دشوار می‌گردد و ایمان مردم در معرض مخاطرات شدید قرار می‌گیرد.

ب- حفظ جان امام

خداوند، به وسیله غیبت، امام دوازدهم را از قتل حفظ کرده است، زیرا اگر آن حضرت از همان آغاز زندگی در میان مردم ظاهر می‌شد، او رومی‌کشتند (چنانکه تفصیل آن را نوشتیم). برای این اساس اگر پیش از موعد مناسب نیز ظاهر شود، باز جان او به خطر می‌افتد و به انجام مأموریت الهی و اهداف بلند اصلاحی خود موفق نمی‌گردد.

زراره، یکی از یاران امام صادق-علیه السلام- می‌گوید: امام صادق-علیه السلام- فرمود: امام منتظر، «پیش از قیام خویش مدتی از چشمها غایب خواهد شد»

عرض کردم: چرا؟

فرمود: بر جان خویش بیمناک خواهد بود

ج- آزادی از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمان

پیشوای دوازدهم، هیچ رژیم‌ی را، حتی از روی تقیه، به رسمیت نشناخته و نمی‌شناسد. او مامور به تقیه از هیچ حاکم و سلطانی نیست و تحت حکومت و سلطنت هیچ ستمگری در نیامده و در نخواهد آمد، چرا که مطابق وظیفه خود عمل می‌کند و دین خدا را به طور کامل و بی هیچ پرده پوشی و بیم و ملاحظه‌ای اجرا می‌کند. بنابراین جای هیچ عهد و میثاق و بیعت با کسی و مراعات و ملاحظه نسبت به دیگران باقی نمی‌ماند.

حسن بن فضال» می‌گوید: امام هشتم فرمود: گویی شیعیانم را می‌بینم که هنگام مرگ سومین «فرزندم» [امام حسن عسکری] در جستجوی امام خود، همه جا را می‌گردند اما او را نمی‌یابند.

عرض کردم: چرا غایب می‌شود؟

فرمود: برای اینکه وقتی با شمشیر قیام می‌کند، بیعت کسی در گردن وی نباشد.

ح- چون هنوز، همان اقلیت ۳۱۳ نفر - یا کمتر یا بیشتر - وجود ندارد، یعنی زمان باید آن قدر جلو برود که از یک نظر، هر اندازه فاسد شود، از نظر دیگر آن‌هایی که می‌خواهند حکومت را تشکیل بدهند و به تبع در زیر لوای ایشان زمامدار جهان شوند پدید آیند، هنوز چنین مردان لایقی در دنیا به وجود نیامده‌اند.

علل تعجیل در ظهور امام زمان (ع)

ب: اما علل تعجیل در ظهور امام زمان (ع) همان مهیا شدن زمینه های ظهور آن حضرت می باشد

1- فراگیر شدن فساد و ظلم و ستم در دنیا

برخی از روایات [۲] در مورد ظهور امام زمان حکایت از آن دارد که قبل از ظهور آن حضرت جهان را فساد و تباهی در بر می گیرد و به برکت ظهور آن رهبر بزرگ، سرتاسر جهان پر از عدالت خواهد شد.

فساد» به معنای تباهی است و «صلاح» ضد آن است. فساد را به معنای خارج شدن از حد اعتدال نیز « [۳]. معنا کرده اند

قرآن کریم بندگان شایسته را این گونه معرفی می کند

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا؛ این سرای آخرت است آن را « [۴]. » برای کسانی قرار می‌دهیم که هیچ برتری و فسادى در زمین نمی‌خواهند

فساد و تباهی هم در شخص امکان بروز دارد و هم در جامعه؛ فساد شخصی موجب خروج شخص از حد اعتدال می‌شود و فساد اجتماعی خارج شدن جامعه از حد اعتدال را در پی دارد. هر چه از زمان غیبت امام زمان دور می‌شویم، این فساد ظهور و بروز بیشتری پیدا می‌کند. در روایات حکایت شده که این فزونی و فراگیری فساد به حدی خواهد رسید که زمین از فساد پر خواهد شد، چنانچه وقتی حضرت ظهور فرمودند از عدالت پر خواهد شد.

از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» [۵] حکایت شده

خداوند زمین را به واسطه قائم زنده می‌کند؛ او با عدالت رفتار می‌کند، آن گاه زمین به واسطه « [۷]. » عدالت زنده می‌شود، بعد از مردن آن به واسطه ظلم

روایات متعددی با این مضمون که «يَمْلَأُ الْأَرْضَ بِعَوْنِ اللَّهِ عَدْلًا كَمَا ملئت جوراً» از امامان حکایت شده است [7] و معنای فراگیر شدن فساد، ظلم و ستم این است که بدی‌ها بر خوبی‌ها و ضدارزش‌ها بر ارزش‌ها غلبه می‌یابد و شعله آتش فتنه، دامن همه را برمی‌گیرد و جامعه انسانی در باتلاق فساد فرو می‌رود که یکی از مهم‌ترین مظاهر این فساد گسترش حاکمیت استکبار و محرومیت و ضعیف شدن [8]. اهل دین می‌باشد

استاد شهید مطهری رحمه الله نیز به استناد روایتی از شیخ صدوق رحمه الله می‌نویسند: «فراگیر شدن ظلم و فساد آن است که هر یک از سعید و شقی و گروه حق و باطل، به اوج کار خود می‌رسند؛ [9]. » ستمکاران به نهایت ستمکاری و صالحان در نهایت مظلومیت و استضعاف

یادآوری

منشأ این ظلم و فساد، اعمال و رفتار ناشایست و انتخاب غیر صحیح خود مردم است؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ؛ به خاطر دستاورد مردم، در [10].» خشکی و دریا فساد و تباهی آشکار شد

وقتی مردم بدهی‌ها را برنیکی‌ها برمی‌گزینند، فساد در زمین جاری می‌شود و این فساد علامت آن است که مردم بفهمند در انتخاب و عمل کرد خود اشتباه کرده‌اند تا به سبب این تنبه به صلاح برگردند از این رو در ادامه آیه می‌فرماید: «لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ تا (سزای) [11].» بعضی از آنچه انجام داده‌اند را به آنان بچشانند! باشد که آنان باز گردند

نتیجه

فراگیر شدن فساد، ظلم و ستم از نشانه‌های قبل از ظهور است چنانچه فراگیری عدالت از نشانه‌های اصلی حکومت امام موعود می‌باشد، اما این فراگیری ظلم و فساد علت ظهور نمی‌باشد، بلکه نشانه قبل از ظهور است که به دنبال آن ظهور صورت می‌گیرد، بلکه می‌توان گفت محرومیت ما از امام زمان به علت همین فسادها و انتخاب بدی‌ها بر خوبی‌هاست. اگر ما با کردار خوب و شایسته، منتظر اصلاح جامعه توسط امام عصر باشیم، ظهور زودتر صورت می‌گرفت.

آنچه روایات بر آن تأکید دارند پر شدن از «ظلم» است، نه پر شدن از «ظالم»؛ پس ممکن است تعداد ظالمین کم باشد، ولی تعداد مظلومین بسیار باشد؛ اما همان تعداد اندک زمین را از فساد پر خواهند کرد؛ بنابراین گمان نشود وظیفه ما این است که همه مردم را به ظلم سوق دهیم و با افزودن به ظالمین،

بخواهیم به امر ظهور کمک کنیم، بلکه وظیفه ما مقابله با ظلم و ظالم و حمایت از مظلوم است؛ چنانچه انقلاب اسلامی در همین راستا قدم برداشت و با ظلمِ ظالم به مقابله پرداخت و از مظلومیتِ مظلوم در جهان دفاع کرد.

پس آنچه در آیات و روایات آمده خبر از امری است که حتماً محقق می‌شود و از طرف دیگر همین قرآن و روایات وظیفه فرد فرد مردم را در کمک نکردن به ظالم و حمایت از مظلوم تبیین کرده است [۱۲] و برای ظالم و ایجاد فساد توسط هر کسی مجازات‌های دنیوی و اخروی شدیدی را خبر داده است.

مفاسد آخرالزمان

مفاسدی که در آستانه انقلاب امام موعود فراگیر می‌شود، بسیار است؛ از امام صادق علیه‌السلام این مفاسد حکایت شده است که بعضی از آنها جنبه اجتماعی و سیاسی، و بعضی جنبه اخلاقی دارد. حضرت در این روایت می‌فرماید:

آن گاه که دیدی حق مرده و اهل حق از میان رفتند؛

ستم همه جا را فرا گرفته است؛

قرآن فرسوده شده و بدعت‌هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن آمده است؛

دین بی‌محتوا شده، همانند ظرفی که آن را واژگون می‌سازند؛

اهل باطل بر اهل حق بزرگی می‌جویند؛

شر آشکار است و از آن نهی نمی‌شود، و هر که کار زشت انجام دهد، معذورش می‌دارند؛

فسق آشکار گردیده و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند؛

شخص مؤمن، سکوت اختیار کرده و سخنش را نمی‌پذیرند؛

شخص فاسق دروغ می‌گوید و کسی دروغ و افترایش را بر او باز نمی‌گرداند؛

بچه کوچک، مرد بزرگ را خوار می‌شمارد؛ .

پیوند خویشاوندی بریده می شود؛
هر که را به کار بد بستایند، خوشحال می گردد؛
پسریچه همان می کند که زن می کند؛
زنان با زنان تزویج می نمایند؛
مداحی و چاپلوسی فراوان شده است؛
مرد، مال خود را در غیر راه اطاعت خدا خرج می کند و کسی از او جلوگیری نکند؛
چون شخص مؤمنی را ببیند از کوشش و تلاش او به خدا پناه برد؛
همسایه، همسایه خود را اذیت می کند و مانعی برای او در این کار نباشد؛
کافر خوشحال است، از آنچه در مؤمن می بیند و شاد است از اینکه در روی زمین فساد و تباهی بیند؛
آشکارا شراب بنوشند و برای نوشیدنی گرد هم آیند؛ کسانی که از خدای عزوجل نمی ترسند؛
امر به معروف کننده خوار است؛
فاسق در آنچه خدا دوست ندارد، نیرومند و ستوده است؛
اهل قرآن و هر که آنان را دوست دارد، خوار است؛
راه خیر بسته شده و راه شر مورد توجه قرار گرفته است؛
خانه کعبه تعطیل شده و دستور به ترک آن داده می شود؛
مرد به زبان می گوید، آنچه را که عمل به آن نمی کند؛
مردان خود را برای استفاده مردان فربه می کنند و زنان برای زنان؛
زندگی مرد از پس او اداره می گردد و زندگی زن از فرج او؛
زنان مانند مردان برای خود انجمن ها ترتیب می دهند؛
در میان فرزندان عباس کارهای زنانگی آشکار گشته (و خود را مانند زنان زینت می کنند، همان طور .
که زن برای جلب شوهرش خود را آرایش می کند)؛
به مردها پول می دهند که با آنها یا زنانشان عمل نامشروع انجام دهند؛
شخص متمول از شخص باایمان عزیزتر است؛
رباخواری آشکار است و رباخوار مورد ملامت قرار نمی گیرد؛

زن‌ها به عمل زنا افتخار می‌کنند؛
زن برای نکاح مردان با شوهر خود همکاری می‌کند؛
بیشتر مردم و بهترین خانه‌ها آن باشد که به زنان در هرزگی شان کمک می‌کنند؛
مؤمن به خاطر ایمانش غمناک و پست و خوار می‌گردد؛
بدعت و زنا آشکار می‌گردد؛
مردم به شهادت ناحق اعتماد می‌کنند؛
دستورات دینی طبق تمایلات اشخاص تفسیر می‌گردد؛
حلال تحریم شود و حرام مجاز؛ .
مردم چنان در ارتکاب گناه جری شده‌اند که منتظر رسیدن شب نیستند؛
مؤمن نمی‌تواند کار بد را نکوهش کند، جز با قلب؛
مال کلان در راه غضب الهی خرج می‌شود؛
زمام‌داران به کافران نزدیک می‌شوند و از نیکان دوری می‌گزینند؛
والیان در داوری رشوه می‌گیرند؛
پست‌های حساس دولتی به مزایده گذاشته می‌شود؛
مردم با محارم خود نزدیکی می‌کنند؛
به تهمت و سوءظن مرد به قتل می‌رسد؛
مرد به مرد پیشنهاد عمل زشت می‌کند و خود و اموالش را در اختیار او می‌گذارد؛ .
مرد به خاطر آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار می‌گیرد (که چرا با مردان آمیزش نمی‌کند)؛
مرد از کسب زنش از هرزگی نان می‌خورد و آن را می‌داند و به آن تن می‌دهد؛
زن بر مرد خود مسلط می‌شود و کاری را که مرد نمی‌خواهد انجام می‌دهد و به شوهر خود خرجی می‌دهد؛
مرد، زن و کنیزش را (برای زنا) کرایه می‌دهد و به خوراک و نوشیدنی پستی تن در می‌دهد؛
سوگندهای به ناحق به نام خدا بسیار می‌گردد؛
قمار آشکار می‌گردد؛ .

شراب را بدون مانع علناً می فروشند؛
زنان مسلمان خود را در اختیار کافران می گذارند؛
لهو و لعب آشکار می گردد و کسی که از کنار آن عبور می کند از آن جلوگیری نمی کند (و کسی
جرات جلوگیری را ندارد)؛
کسی که مردم از تسلط و قدرتش ترس دارند، مردم شریف را خوار می کند؛
نزدیک ترین مردم به فرمانروایان کسی است که به دشنام گویی ما خانواده ستایش شود؛
هر کس ما را دوست دارد، دروغ گویش می دانند و شهادت او را نمی پذیرند؛
مردم بر گفتن حرف زور و ناحق با همدیگر رقابت می کنند؛
شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران می آید و در عوض، شنیدن سخنان باطل بر مردم آسان است؛
همسایه، همسایه را گرامی می دارد از ترس زبانش؛
حدود خدا تعطیل شده و در آن طبق دل خواه خود عمل می کنند؛
مساجد طلاکاری می شود؛
راستگوترین مردم پیش آنها، مفتریان دروغ گو می باشند؛
شر و سخن چینی آشکار می گردد؛
ستمکاری شیوع یافته؛
غیبت را سخن نمکین می شمارند و مردم همدیگر را بدان مژده می دهند؛
برای غیر خدا به حج و جهاد می روند؛
سلطان به خاطر کافر، مؤمن را خوار می کند؛
خرابی و ویرانی بیش از عمرانی و آبادی است؛
زندگی مرد از کم فروشی اداره می شود؛
خونریزی را آسان می شمارند؛
مرد برای غرض دنیایی ریاست می طلبد و خود را به بدزبانی مشهور می سازد تا از او بترسند و کارها
را به او واگذار کنند؛

نماز را سبک می‌شمارند؛

مرد مال بسیار دارد، ولی از وقتی که آن را پیدا کرده زکات آن را نپرداخته است؛
قبر مرده‌ها را می‌شکافند و آنها را می‌آزارند و کفن‌هایشان را می‌فروشند؛ .

آشوب بسیار می‌شود؛

مرد روز خود را به نئشه (شراب) به شب می‌برد و شب را به مستی صبح می‌کند؛
با حیوانات عمل زشت انجام می‌دهند؛

حیوانات همدیگر را می‌درند؛

مرد به مصلی می‌رود، ولی چون برمی‌گردد جامه در تن ندارد؛

دل مردم سخت و چشمانشان خشک شده و یاد خدا بر آنان سنگین می‌آید؛

کسب‌های حرام شیوع یافته و بر سر آن رقابت می‌کنند؛

نمازخوان برای ریا و خودنمایی نماز می‌خواند؛

فقیه برای غیر دین فقه می‌آموزد و دنیا و ریاست طلب می‌کند؛

مردم دور کسی را گرفته‌اند که قدرت دارد؛ .

هر کس روزی حلال می‌جوید، مورد سرزنش قرار می‌گیرد و جوینده حرام، مورد ستایش و تعظیم
است؛

در مکه و مدینه کارهایی می‌کنند که خداوند دوست ندارد و کسی هم نیست که مانع شود و

هیچ کس آنها را از این اعمال زشت باز نمی‌دارد؛

آلات لهو لعب [حتی] در مکه و مدینه آشکار می‌گردد؛

مرد سخن حق می‌گوید و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. دیگران او را نصیحت می‌کنند و
می‌گویند: این کار بر تو لازم نیست؛

مردم به همدگر نگاه می‌کنند و به مردم بدکار اقتدا می‌نمایند؛

راه خیر به کلی خالی است و کسی از آن راه نمی‌رود؛

مردم را به مسخره می‌گیرند و کسی برای مرگ او غمگین نمی‌شود؛

هر سال بدعت و شرارت بیشتر می‌شود؛

مردم و انجمن‌ها پیروی نمی‌کنند، مگر از توان‌گران؛
به فقیر چیزی می‌دهند، در حالی که به او می‌خندند و برای غیر خدا به او ترحم می‌نمایند؛
نشانه‌های آسمانی پدید می‌آید، ولی کسی از آن هراس ندارد؛
مردم در حضور جمع، همانند بهائم مرتکب اعمال جنسی می‌شوند و هیچ کس از ترس، کار زشت را
انکار نمی‌کند؛
مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج می‌کند، ولی در مورد اطاعت خدا از کم هم دریغ می‌ورزد؛
آزار به پدر و مادر آشکار می‌گردد و مقام آنها را سبک می‌شمارند و حال آنها در پیش فرزند از
همه بدتر باشد و از اینکه به آنها افترا زده شود، خوشحال می‌شوند؛
زن‌ها بر حکومت غالب گشته و پست‌های حساس را قبضه می‌کنند و کاری پیش نمی‌رود، جز آنچه
طبق دلخواه آنان باشد؛
پسر به پدر خود افترا می‌زند و به پدر مادر خود نفرین می‌کند و از مرگشان خوشحال می‌شود؛
اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روز گناهی بزرگ مرتکب نشده باشد، مانند هرزگی یا
کم‌فروشی یا انجام کار حرام یا می‌خوارگی، آن روز غمگین است و خیال می‌کند که روزش به هدر
رفته و عمرش در آن روز بی‌خود تلف شده است؛
سلطان مواد غذایی را احتکار می‌کند؛
حق خویشاوندان پیامبر (خمس) به ناحق تقسیم می‌شود و بدان قمار بازی می‌کنند و می‌خوارگی
می‌نمایند؛
با شراب مداوا می‌کنند و بدان بهبودی می‌جویند؛
مردم در مورد ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی‌عقیدگی یکسان می‌شوند؛
منافقان و اهل نفاق سروصدایی دارند و اهل حق بی‌سروصدا و خاموشند؛
برای اذان گفتن و نماز خواندن مزد می‌گیرند؛
مسجدها پر است از کسانی که ترس از خدا ندارند و برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق به
مسجد می‌آیند و در مساجد، از شراب مست‌کننده توصیف می‌کنند؛
شخص مست که از خرد تهی گشته بر مردم پیش‌نمازی می‌کند و به مستی او ایراد نمی‌گیرند و چون

مست گردد، گرامیش می‌دارند؛
هر که مال یتیمان را بخورد، شایستگی او را می‌ستایند؛
قضات به خلاف دستور خدا داوری می‌کنند؛
زمام‌داران از روی طمع خیانت‌کاران را امین خود می‌سازند؛
میراث (یتیمان) را فرمان‌روایان به دست افراد بدکار و بی‌باک نسبت به خدا داده‌اند، از آنها حق و حساب می‌گیرند و جلوی آنها را رها می‌سازند تا هر چه می‌خواهند انجام دهند؛
بر فراز منبرها مردم را به پرهیزکاری دستور می‌دهند، ولی خود گوینده به آن دستور عمل نمی‌کند؛
وقت نمازها را سبک می‌شمارند؛
صدقه به وساطت دیگران به اهل آن می‌دهند و به خاطر رضای خدا نمی‌دهند، بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آنها می‌پردازند؛
تمام هم و غم مردم شکم و عورتشان است؛ باکی ندارند که چه بخورند و با چه آمیزش کنند؛
دنیا به آنها روی آورده است؛
.نشانه‌های حق مندرس گشته است.

!امام صادق علیه‌السلام پس از پیش‌بینی این حوادث خطاب به راوی فرمود
در چنین موقعی مواظب خود باش. نجات خود را از خداوند بخواه (فرج نزدیک است) و بدان که «
مردم با این نافرمانی‌ها مستحق عذابند. اگر عذاب بر آنها فرود آمد و تو در میان آنها بودی، باید به
سوی رحمت حق بشتابی تا از کیفری که آنها به واسطه سرپیچی از فرمان خدا می‌بینند، بیرون بیایی.
[13]» بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گرداند؛ و إِنَّ رَحِمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ
تذکر: لازم به یادآوری است که وجود این مفسد بدان معنا نیست که ما آنها را انجام دهیم تا امام
عصر زودتر ظهور کند، بلکه وظیفه ما پاک‌ماندن و مبارزه با مفسد و آماده‌شدن برای یاری امام عصر
.است

پی‌نوشت‌ها

۱۰. إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ؛ خدا از وعده (خود) تخلف نمی‌کند؛ رعد: 31.»

ر.ک: ملاحم، سیدبن طاووس، صص ۱۴۴-۱۴۴. ۲.

مفردات راغب ماده فسد ۳.

قصص: ۸۳. ۴.

بدانید که خدا زمین را بعد از مردنش زنده می کند؛ حدید، ۱۷. ۵.

ینابیع المودة، ص ۴۲۹. ۶.

حضرت حجت به کمک خدا زمین را از عدل پر می کند همان طوری که از جور و ستم پر شده بود؛ ر.ک: ملاحم سیدبن طاووس، صص ۱۴۴-۱۴۹. ۷.

و معجم الملاحم والفتن، ج ۳، ص ۲۰۰.

فرهنگ الفبائی مهدویت، ص ۵۳۴. ۸.

قیام و انقلاب حضرت مهدی، ص ۶۶. ۹.

روم: ۴۱. ۱۰.

همان. ۱۱.

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ مانده: ۲. ۱۲.

روضه کافی، حدیث ۷، ص ۳۶ و ۴۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۲۵۴-۲۶۰. ۱۳.

2- محقق شدن اکثر نشانه های ظهور امام زمان علیه السلام

به نظر برخی از محققان از بیش از یک هزار و 200 نشانه آخرالزمان که در روایات از آن سخن گفته شده طبق گفته همه محققان تمام نشانه ها رخ داده و فقط پنج نشانه باقی مانده است که اولین آن «فتنه سفیانی» است!! در این باره گفتنی است: تطبیق علایم ظهور بر حوادث خارجی و ادعای تحقق علایم به صورت قطعی، امری غیر قابل پذیرش است، مگر با قرائن قطعی و یقینی. بر اساس روایات علائم ظهور به دو دسته تقسیم می شوند: 1- علائم حتمی؛ علامت هایی هستند که بدون تردید پیش

از ظهور حضرت مهدی (عج) واقع خواهد شد؛ همانند فراگیر شدن ظلم و فساد و خروج سفیانی و دجال. 2- علائم غیر حتمی، مراد از علائم غیر حتمی علامت هایی هستند که ممکن است پیش از ظهور محقق شوند و ممکن است محقق نشوند؛ توضیح این که: تحقق این گونه علامتها مشروط به اموری است که در صورت تحقق آن امور، آن علائم نیز محقق می شوند و گرنه آن علامت ها پدید نمی آیند. یا روایاتی که آن علایم را بیان می کنند، از نظر سند و دلالت و معنای آن علامات قطعی و یقینی نیستند گفتنی است که شناخت دقیق تمام علائم ظهور نیز مشکل است، پس هیچ گاه نمی توان ادعا کرد که تمام علائم ظهور تحقق یافته و به طور یقین در تاریخ مشخصی حضرت مهدی (عج) ظهور خواهد کرد، بلکه هر تعداد از مجموع نشانه های ظهور که واقع شود و تطبیق آن نیز درست باشد، می توان گفت که نزدیک شدن ظهور را بشارت می دهد. بر این اساس می گوییم: شماری از حوادث و وقایعی را که معصومین (ع) وقوع آن را در دوران غیبت کبری خبر داده و یا به عنوان علائم ظهور بر شمرده اند، واقع شده اند؛ موارد زیر بخشی از آن حوادث است: اختلاف در میان امت اسلام، انقراض بنی عباس و از هم پاشیدگی حکومت آنان، به راه افتادن پرچم های سیاه از ناحیه خراسان، خروج مغربی از مصر و تشکیل دولت فاطمیان، رها شدن کشورهای عربی از قید استعمار و البته باید علاوه بر مطالب فوق به این نکات نیز توجه داشت: 1- معلوم نیست که حوادث روی داده همان حوادثی باشد که در روایات آمده و مقصود روایات بوده است. 2- خبر از وقوع چنین حوادثی بدین معنا نیست که این ها نشانه های حتمی ظهورند، بلکه ممکن است این ها رخدادهایی باشند که معصومان از وقوع آن ها خبر داده اند. بخشی از علائم حتمیه هم که در روایات آمده، همانند: خروج سفیانی، دجال و صیحه آسمانی هنوز واقع نشده اند.

توضیح بیشتر آنکه: شیخ مفید در الارشاد خود فهرستی از نشانه های ظهور را ذکر کرده که از این قرار است: شورش سفیانی، کشته شدن سید حسنی، تفرقه بنی عباس به خاطر پادشاهی و حکومت دنیایی، کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در آخر ماه که هر دو بر خلاف رویه عادی طبیعت است، فرو رفتن در بیابان، فرو رفتن در مشرق و فرو رفتن دیگری در مغرب، حرکت نکردن خورشید از ظهر تا نیمه های عصر، طلوع خورشید از مغرب و کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه و

کشته شدن 70 انسان صالح و شایسته دیگر، بریدن سر مردی هاشمی بین رکن و مقام، خراب شدن دیوار مسجد کوفه، نمایان شدن پرچمهای سیاهی از خراسان، قیام یمانی، ظاهر شدن شخصی مغربی در مصر و حکومت کردنش بر شام، فرود آمدن ترکها در جزیره و رومیان در ساحل، طلوع ستاره مشرقی که همانند ماه نورافشانی می کند و سپس چنان خم می شود که گویی دو سوی آن قرار است به هم برسند، سرخی ای که در آسمان ظاهر می شود و در تمام افق پخش و منتشر می شود؛ آتش بزرگ و شدیدی که در مشرق نمایان شده و سه یا هفت روز در [جو و] آسمان باقی می ماند. پایان سختیهای اعراب و حکومت کردنشان بر بلاد و خارج شدن از سیطره عجمها. کشته شدن امیر مصر توسط ساکنان آن دریا، حرکت پرچمهایی که به سوی خراسان راهی می شوند، ورود سپاهی از سمت مغرب تا وقتی که با از بین رفتن سرگشتگی و حیرت آرامش یابد، نمایان شدن پرچمهای سیاه از مشرق به همان صورت، شکافتن و ترک خوردن فرات به طوری که آب وارد کوچه ها و خیابان های کوفه بشود، شورش شصت دروغگو که همگی ادعای نبوت می کنند و شورش دوازده نفر از آل ابی طالب که همه ادعای امامت برای خویش دارند، سوزاندن مردی بلند مرتبه از پیروان بنی عباس میان جلولاء و خانقین، زدن پل در آنجایی که آب میان مدینه السلام و بغداد روان است، برخاستن بادی سیاه در ابتدای روز و زلزله ای که منجر به فرو رفتن بسیاری از آنها می شود. هراسی که دامنگیر اهل عراق و بغداد می شود و مرگ ناگهانی در آن و نقصان و کاهش اموال و جانها و بدنها و محصولات و یورش ملخها که در ابتدای آن و غیر آن ظاهر می شوند به طوری که به زراعت و غلات و همان مقدار کمی که مردم کشت کرده اند، حمله ور می شود و اختلاف میان دو دسته از عجمها و ریخته شدن خون بسیاری از آنها و شورش بندگان از اطاعت سروران آنها و کشتن ایشان و مسخ شدن دسته ای از بدعت گزاران که به شکل میمون و خوک میشوند، و غلبه یافتن بندگان بر سرزمینهای مالکان و سروران، ندایی از آسمان که تمام اهل زمین آن را به زبان خویش می شنوند و صورت و سینه ای که در آسمان در قرص خورشید برای مردم ظاهر می شود، و مردگانی که از قبرهایشان به دنیا بر می گردند و در دنیا [بادیگران] آشنا می شوند و به زیارت همدیگر می روند، سپس همه اینها به 24 باران که به وسیله آن زمین پس از مرگش زنده می شود ختم شده و برکات آن نمایات می گردد و پس از آن تمام آسیبها و بلایا از معتقدان به حق که از شیعیان مهدی هستند

برطرف شده و از ظهور آن حضرت در مکه خبردار می شوند و برای یاری ایشان متوجه و راهی آنجا می شوند.

بعضی از حوادثی که در این دو نقل ذکر و در تاریخ محقق شده به شرح زیر است:

1. روی کردن پرچمهای سیاه از ناحیه خراسان: با قیام ابومسلم خراسانی تطابق دارد.
2. ظهور مغربی در مصر که شامات را تصرف می کند: شورش مغربی فاطمی که در سال 396ق. در شمال آفریقا اعلام دعوت کرد و پس از جنگ با شام بر آن مستولی شد.
3. فرود آمدن ترکها در جزیره: زمانی که خاک جزیره مدت طولانی تحت سیطره حکومت عثمانی ترکی بود از سال 941ق. آغاز شد تا زمان سقوط سلطنت آنها در سال 1335ق. پس از اشغال بریتانیا در جنگ جهانی اول.
4. فرود آمدن رومیان در رملهک در لسان ائمه معصومین از اروپا به روم تعبیر می شده است و رمله نام منطقه ای در شام و منطقه ای دیگر در مصر است و از اینرو با استعمار فرانسه در مصر به رهبری ناپلئون بناپارت و یا اشغال سوریه توسط فرانسه، پس از جنگ جهانی اول و اشغال عثمانی با این کلام معصومین منطبق می شود.
5. پایان سختیهای اعراب و سیطره یافتن بر بلاد و خارج شدن آنها از سیطره عجمها (غیر اعراب): در این عصر با آن زندگی می کنیم. عصر ما عصر انقلابهای عربی است که می خواهند از سیطره و استعمار بیگانگان رهایی بیابند و خود حکومت را به دست بگیرند.
6. کشته شدن فرمانروای مصر توسط مردم آن دیار: انور سادات به دست خالد اسلامبولی کشته شد.
7. اختلاف میان دو دسته از عجمها و خونریزی زیاد میان آنها: با جنگهای جهانی اروپا که در میانشان بود منطبق است همانند جنگ میان فرانسه و آلمان، بریتانیا و آلمان یا ترکیه و یونان و ... که البته

برای فهم این بخش از حدیث تنها کافی است در وقایع دو جنگ جهانی اول و دوم - که در نیمه قرن
نوزده میلادی رخ داد - دقیق شویم

خلاصه اینکه:

الف. در منابع روایی، بسیاری از رخداد‌های طبیعی و غیر طبیعی و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی به
عنوان علائم ظهور، ذکر شده است. بدیهی است که روایات مربوط به این مسئله، مانند سایر مسایل
دیگر، از جهت درستی و اعتبار، یکسان نیستند. در میان این روایات، برخی از جهت سند غیر قابل
اعتمادند و برخی هم از جهت مضمون و مطالبی که در آن مطرح شده، جای بحث و تامل دارند.
بنابراین، نمی‌توان به صرف دیدن یک روایت و بدون بررسی کارشناسانه از جهت سند و دلالت، به
آن اعتماد کرد. در میان نشانه‌ها، برخی به عنوان علائم حتمی ظهور ذکر شده است
علائم معروف حتمی، پنج مورد است:

البته در برخی از روایات، به علائم دیگری نیز اشاره شده است، مانند خورشید گرفتگی در نیمه ماه
رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن. (الغیبه، طوسی، ص 444) و یا طلوع خورشید از مغرب (الغیبه،
طوسی، ص 435)

ب. عده‌ای بر این باورند که بسیاری از علائم ظهور اتفاق افتاده است و فقط علائم حتمی نزدیک
ظهور، باقی مانده است. به نظر می‌آید سخن قطعی و کاملی در این مورد نمی‌توان گفت؛ زیرا منابع
اصلی و قدیمی شیعه، معمولاً، از نشانه‌های خاص و محدود نام برده‌اند، و بسیاری از این نشانه‌هایی که
به عنوان علائم اتفاق افتاده، مطرح می‌شود یا اصولاً در این منابع ذکر نشده و یا بسیار کم رنگ بیان
شده است. این امر، نشانه آن است که اخباری که این گونه نشانه‌ها را بیان کرده‌اند، چندان مورد
اعتنای علمای گذشته نبوده است.

هم چنین اسناد برخی از روایات، اشکال دارد و نقل آن‌ها در کتب روایی جامع، مانند بحار به دو علت
می‌تواند باشد:

در مواردی که سخن از یک علامت و فرج بعد از آن مطرح شده، گویا مراد ظهور امام زمان (علیه
السلام) نیست، بلکه یک گشایش و راحتی برای مؤمنان است. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده

است: منتظر صدایی باشید که از طرف دمشق، ناگهان به شما می‌رسد. در آن، گشایش بزرگ برای شما خواهد بود. (الغیة، نعمانی، ب14، ح66)

در برخی روایات، سخن امام، به گونه‌ای است که خبر از یک اتفاق و واقعه می‌دهد نه این که بخواهد آن واقعه را یکی از علایم ظهور معرفی کند، مانند وقوع گرمای شدید (الغیة، نعمانی، ب14، ح44) برخی نشانه‌ها و بیان‌ها، به گونه‌ای است که می‌تواند معنای دیگری غیر از معنای ظاهری داشته باشد.

مانند طلوع خورشید از مغرب که شاید کنایه از ظهور حضرت از مکه باشد. از امام علی (علیه

السلام) نقل شده است: و هو الشمس الطالعة من مغربها (بحار، ج52، ص194، ح26)

به علاوه معلوم نیست این حادثه خارجی، واقعا همان نشانه‌ای باشد که در روایت ذکر شده است، بلکه

شاید پدیده‌ای مشابه آن باشد. (البته باید توجه داشت که شباهت این حادثه با یک علامت، این

احتمال را ایجاد می‌کند که شاید این واقعه، همان علامت ظهور باشد؛ لذا حالت آمادگی را در خود

منتظر ایجاد می‌کند)

نقش انقلاب اسلامی در ظهور امام زمان علیه السلام

انقلاب اسلامی ایران ریشه در باورها و اعتقاداتی دارد که موضوع مهدویت نیز در آن باورها ریشه دارد. فلذا در راستای هدف کلی مهدویت یعنی «اقامه عدل و ریشه کنی ظلم و ستم از جهان و برقراری حکومت صالحان» انجام شده و نسخه کوچکی از انقلاب جهانی حضرت مهدی است و با آن منافاتی ندارد.

موضوع انقلاب اسلامی ایران و موضوع مهدویت و آخرالزمان دو موضوعی هستند که در هم تنیده و در ارتباط با یکدیگر می باشند به گونه ای که حتی تحلیلگران خارجی نیز این دو مقوله را در ارتباط با هم دیده و دشمنان نظام اسلامی نیز ضمن اذعان به وجود رابطه میان این دو موضوع ممکن است از هر کدام از موضوعات برای حذف و ضربه زدن به موضوع دیگر بهره بگیرند.

در این زمینه گاه ممکن است سؤال هایی ذهن برخی را به خود مشغول سازد از جمله اینکه چه ارتباطی میان انقلاب اسلامی و موضوع مهدویت وجود دارد و ثانیاً با توجه به اینکه در روایات وارد شده است که مهدی موعود ظهور نخواهد کرد مگر اینکه جهان پر از ظلم و ستم شده باشد (و به تعبیری دنیای پیش از مهدی دنیای تیره و تاری است)، چگونه می توان سخن از اتصال انقلاب اسلامی ایران به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) نمود و ادعا نمود انقلاب اسلامی می تواند زمینه ساز ظهور انقلاب حضرت مهدی (عج) منتظر باشد و حال آنکه انقلاب اسلامی با شعارهای حق طلبانه و عدالت طلبانه ای که دارد بر خلاف جهان تیره و تاریسیم شده در روایات از شرایط جهان پیش از ظهور می باشد.

درباره ارتباط میان انقلاب اسلامی و مهدویت لازم است بگوییم انقلاب اسلامی از دو جهت با موضوع مهدویت در ارتباط است اول اینکه این انقلاب ریشه در باورها و اعتقاداتی دارد که موضوع مهدویت نیز در آن باورها ریشه دارد. فلذا در راستای هدف کلی مهدویت که همان اقامه عدل و ریشه کنی ظلم و ستم از جهان و برقراری حکومت صالحان می باشد انجام شده است و در واقع نسخه کوچکی از همان انقلاب جهانی حضرت مهدی می باشد. و دوم اینکه این انقلاب با اقداماتی که در راستای بسط ارزش ها و گسترش پیام اسلام در سراسر جهان انجام می دهد زمینه را برای ظهور منجی عالم بشریت فراهم می سازد که به بخشی از این نقش در ادامه اشاره خواهد شد.

علاوه بر این دو معنا یکی دیگر از معانی اتصال انقلاب اسلامی به قیام حضرت مهدی (عج) می تواند این باشد که در پرتو انقلاب اسلامی و فراهم شدن زمینه های مساعد، شهر قم به مرکز نشر معارف اسلامی تبدیل خواهد شد که در نتیجه آن همگان از معارف دینی با خبر خواهند شد و در نتیجه حجت بر تمام ساکنان روی زمین تمام خواهد شد و پس از آن حضرت حجت (عج) قیام خواهند نمود و با توجه به اینکه پیش از ظهور با اکثر مردم اتمام حجت شده است اکثریت مردم معارف حق را شنیده و ایمان خواهند آورد و تنها افراد معاند خواهند ماند که حضرت با آنها درگیر خواهد شد. چنان که در حال حاضر به برکت زمینه های فراهم آمده و با بهره گیری از تجهیزات و امکانات پیشرفته، علوم و معارف اسلامی در حال نشر به اقصی نقاط جهان بوده و در حال حاضر علاوه بر برنامه های تبلیغی به شیوه سمعی بصری، مبلغین فرهنگ اسلامی در سراسر جهان مشغول فعالیت های تبلیغی هستند که ثمرات آنها را در گسترش روز افزون اسلام با قرائت شیعی آن و یا علاقمندی به اسلام مشاهده می کنیم و به خاطر همین گسترش اسلام است که دشمنان حساسیت ویژه ای در زمینه اسلام پیدا کرده و به تخریب چهره آن می پردازند. در روایات نیز در زمینه آنچه گفته شد مطالبی وجود دارد که مؤید این تفسیر از اتصال انقلاب اسلامی به انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) می باشد.

به عنوان مثال در روایتی از امام صادق - علیه السلام - نقل شده است: **"به زودی شهر کوفه از مؤمنان تهی می گردد و علم و دانش از آنجا رخت بر می بندد... و از شهری که آن را قم می نامند ظهور می**

کند و آنجا پایگاه علم و فضیلت و معدن دانش و کمال می گردد به گونه ای که روی زمین هیچ مستضعف (فکری) نمی ماند که از دین آگاهی نداشته باشد حتی زنان پرده نشین، و این زمان نزدیک به زمان ظهور قائم ما خواهد بود. خداوند قم و مردمش را جانشین حضرت حجت قرار می دهد و اگر چنین نبود زمین اهلش را فرو می برد و حجتی بر زمین نمی ماند. بنابراین علم و دانش از شهر قم به مشرق و مغرب جهان سرازیر می شود و حجت بر جهانیان تمام می گردد به گونه ای که هیچ شخصی نمی ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد و آنگاه حضرت قائم (عج) ظهور می کند و عذاب الهی بر کافران به دست آن حضرت فرود می آید زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی گیرد مگر هنگامی که حجت بر آنان تمام شده باشد".1

اما چگونه می توان این انقلاب را زمینه ساز انقلاب حضرت مهدی (عج) دانست در حالی که تصویری که در بسیاری از روایات از جهان پیش از مهدی موعود ترسیم شده است جهان تیره و تاری است و حال آن که انقلاب اسلامی فضایی روشن و عدالت گسترانه می باشد و اساساً مراد از اتصال انقلاب اسلامی به انقلاب جهانی حضرت مهدی چیست؟

در برخی روایات اسلامی از پر شدن جهان از ظلم و ستم پیش از ظهور حضرت مهدی سخن به میان آمده است از جمله در روایتی از امام باقر - علیه السلام - نقل شده است: "پدرم از پدرش و او از پدرانش برای من نقل کردند که رسول خدا - درود و سلام خدا بر او باد - فرمودند: امامان پس از من دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل، نه نفر از آنها از نسل حسین - درود خدا بر او باد - هستند و نهمین آنها قائم ایشان است. او در آخرالزمان به پا می خیزد و زمین را از عدل پر می سازد، پس از آنکه از ستم و بی عدالتی پر شده بود".2

طبق این روایت ظاهراً تصویر بسیار تیره و تاری از جهان ارائه می شود که حضرت مهدی (عج) برای محو کردن آن تصویر تیره و تاری و ارائه جلوه های روشن از حکومت و عدالت ظهور خواهند کرد اما آنچه در این میان حائز اهمیت و دقت است این است که اولاً وعده تخلف ناپذیر نیست و منظور از گسترش ظلم و ستم در این روایات این نیست که همه جهان بالکل از فساد و تباهی پر شده باشد به گونه ای که در هیچ بخشی از جهان اثری از نور و روشنی دیده نشود بلکه منظور این است که فساد و

ظلم و ستم در جهان فراگیر و فراوان خواهد شد و این منافاتی با وجود حکومت اسلامی در بخشی از جهان و یا فریادهای حق طلبانه در بخش های دیگر جهان نیست در نتیجه در فضای ظلمت زده جهانی نیز امکان تشکیل حکومت اسلامی وجود دارد و اساساً با توجه به اعتقادات اسلامی لازم است به عنوان مسلمان تکلیف مدار در راه تحقق این تکلیف عظیم اسلامی یعنی تشکیل حکومت اسلامی اقدام نماییم که ادله دال بر وجوب تشکیل حکومت اسلامی و لزوم اجتناب از طاغوت همگی بر این مطلب تاکید می نمایند

از جمله آیه ای که در قرآن کریم می فرماید: "وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ؛ در برابر ظالمین کرنش و اطاعت نکنید که در این صورت آتش جهنم شما را فرا خواهد گرفت." 3 و یا روایاتی که از حاکم قرار دادن طاغوت ها منع می نمایند و بالاتر از همه، ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر که طبق آن بالاترین معروف تشکیل حکومت اسلامی به منظور زمینه سازی اجرای تمامی معروفها و ریشه کنی منکرات می باشد

لذا تشکیل حکومت اسلامی در دوران پیش از ظهور نه تنها مغایرتی با روایات گفته شده ندارد بلکه حتی ضرورت هم داشته و در صورت فراهم شدن شرایط تشکیل حکومت، لازم است دست به تشکیل حکومت اسلامی تا حدّ مقدور زد که در زمان حاضر نیز امام خمینی (ره) با مساعد دیدن شرایط برای قیام و تشکیل حکومت اسلامی و با حرام اعلام نمودن تقیه 4 دست به قیام زد که سرانجام منجر به ایجاد حکومت اسلامی شد و هر چند این حکومت اسلامی حکومت ایده آل و مطلوب صد درصد نیست اما یقیناً حکومتی است که در مسیر تحقق حکومت ایده آل قدم برداشته است و این حکومت حداقل حکومت طاغوت نیست و مبنا و پایه های آن براساس دین بوده و در جهت و مسیر آن حرکت می کند

علاوه بر این مطلب، در میان متون روایی به روایاتی برخورد می کنیم که در آنها بر تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور حضرت مهدی موعود (عج) اشاراتی شده است که هر چند نمی توان به یقین گفت مراد روایات از این حکومت همان جمهوری اسلامی ما می باشد اما اولاً نفس وجود همین روایات نشان دهنده این است که حتی طبق روایات، تشکیل حکومت اسلامی در محیط ظلمت زده

پیش از عصر ظهور امکان دارد و ثانیاً با توجه به مؤلفه های دینی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران و شعارهای عدالت طلبانه ای که این نظام دارد این احتمال وجود دارد که می توان این نظام را جزء مصادیق نظام مورد اشاره در روایت دانست، در هر صورت از این روایات می توان اصل امکان تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور را اثبات نمود.

از جمله این روایات، روایتی است که در کتب مختلف از جمله بحارالانوار به آن اشاره شده است و در آن رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرموده اند: "مردمی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی فراهم می سازند".⁵

پی نوشت ها:

1. بحارالانوار، ج 60، ص 217.
2. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج 36، ص 359، ح 228، به نقل از ماهنامه موعود، شماره 95 . 2 . هود / 113 . 3.
4. امام خمینی در سال 1342 خطاب به علمای اسلام فرمود: "حضرات آقایان توجه دارند که اصول اسلام در معرض خطر است، قرآن و مذهب در مخاطره است، با این احتمال تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب است و لو بلغ ما بلغ". موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ دوم، 1377ش، ج 1، ص 178 به نقل از سایت تبیان.
5. ابن ماجه، سنن، ج 2 ص 1368؛ المعجم الاوسط، ج 1، ص 200؛ مجمع الزوائد، ج 7، ص 318؛ 5. کشف الغمه، ج 3، ص 368؛ بحارالانوار، ج 51، ص 87 به نقل از: نجم الدین طوسی، نشانه هایی از دولت موعود، ص 73.

آیا ظهور اتفاق افتاده؟

اوایل روزهای سال 1380 با جمعی از دوستان عازم شهر مقدس قم شدیم در ایام حضور در قم با محقق بزرگواری آشنا شدیم که در مورد ظهور و نشانه‌های آن تحقیقات گسترده‌ای انجام داده بود و با استدلال‌های روایی جالب معتقد بود که ظهور بسیار نزدیک است نکات علمی سخنان ایشان، هر شنونده‌ای را به تفکر وامی داشت و قضیه فراتر از یک ادعای احساسی و بی‌بنیان بود تا این که در همان ایام توفیق، یار جمع دوستان شد و در صبح یک روز بهاری موفق به حضور در بیت علامه حسن‌زاده آملی (حفظه الله تعالی) شدیم و از نزدیک این دانشمند گرانقدر را زیارت کردیم داستان چگونگی حضور در محضر ایشان و ساعتی که در خدمت معظم له بودیم خود جریانی شیرین و درس‌آموز است که وقت مستقلى برای بیان می‌خواهد که در این مقاله مختصر نمی‌گنجد.

اما آنچه باعث شد آن جلسه برای این حقیر به یادماندنی و سرنوشت‌ساز شود مطرح شدن ماجرای تحقیق برادر محققمان در مورد ماجرای ظهور و نشانه‌های آن بود آن طلبه فاضل به تفصیل موضوع را برای حضرت علامه شرح دادند و ایشان با ادب و حوصله مثال زدنی به دقت به سخنان ایشان گوش دادند همه دوستان حاضر در جلسه لحظه‌شماری می‌کردند تا عکس‌العمل علامه حسن‌زاده را در قبال مسائل مطرح شده مشاهده کنند بعد از پایان سخنان برادر بزرگواری، استاد لحظه‌ای تأمل کردند و سپس با خنده شیرین و معناداری به جمع نگاه کرده و با آن لهجه شیرین فرمودند خلاصه عرایض حضرات این است که می‌خواهید بفرمایید که ظهور حضرت نزدیک است؟ با تأیید دوستان ایشان

اگر بگوییم ظهور اتفاق افتاده چه؟ فرمودند

همه جا خوردیم. اصلاً انتظار چنین مطلبی را از ایشان نداشتیم همه مات و متحیر این سخن ایشان بودیم و نمی دانستیم چه بگوییم؛

علامه حسن زاده املی که متوجه تحیر جمع شده بود بایانی حکیمانه این گونه مطلب را توضیح دادند برای توضیح مطلب باید مثالی بیان شود پروردگار متعال قواعد عالم ملکوت را نظیر و شبیه قواعد عالم ملک قرار داده و عالم تکوین را منطبق با عالم تشریع خلق کرده تا بشر با پی بردن به اسرار و قواعد عالم ملک و تکوین، پی به اسرار ملکوت و تشریع ببرد و از این هماهنگی و شباهت حکمت‌هایی استفاده کند یکی از این قواعد مسلم و عمومی طبیعت، تدریجی بودن تحولات می‌باشد فی‌المثل حرکت وضعی زمین و در پی آن طلوع و غروب خورشید یک فرایند تدریجی است اگر خورشید به یک باره در آسمان زندگی مادی و طبیعی طلوع یا غروب کند در روند حیات اختلال ایجاد می‌شود و هیچ موجود زنده‌ای قادر به تطبیق خود با تغییر وضعیت نور در میدان حیات نخواهد بود و نظم زندگی به هم می‌ریزد

خورشید باید به تدریج غروب و طلوع کند تا موجودات تحت تأثیر خورشید بتوانند خود را با تغییر رخ داده تطبیق کرده و حیات به چرخه‌ی نظم خود ادامه دهد نظیر همین اتفاق نیز در حیات معنوی و ملکوتی بشر، در حال، اتفاق افتاده است

علامه حسن زاده بزرگوار در توضیح این مطلب فرمودند

امام معصوم، خورشید آسمان حیات معنوی بشر است و طلوع و غروب ایشان در صحنه حیات بشر تابع قواعدی شبیه قواعد طبیعی خورشید است اگر مقوله غیبت و ظهور حضرت به طور دفعی و بدون هیچ زمینه‌ای واقع شود، مسلماً جوامع بشری تاب این تحول شدید را نخواهد داشت

بدین علت حکمت الهی مقتضی تدریجی بودن این اتفاق عظیم است با بررسی تاریخ حیات بابرکت حضرت در میابیم که این اتفاق در مورد غیبت حضرت واقع شده است غیر از اینکه حیات سه امام

همام قبل از امام عصر (عج) تقریباً به حالت غیبت بوده و نوعی تمرین برای شیعیان برای زندگی مومنانه بدون ارتباط فیزیکی با امام بود

غیبت حضرت به دو مرحله غیبت صغری و کبری تقسیم می شود مرحله غیبت صغری به مثابه آماده کردن مردم برای غیبت اصلی و طولانی حضرت بوده است

همین حکمت در دوران ظهور حضرت هم رعایت خواهد شد بشری که در طول صدها سال در دل ظلمت زندگی بدون حاکمیت فرهنگ توحیدی-ولایی نشو و نما پیدا کرده ظرفیت تحمل ناگهانی نور وجودی که به تعبیر قرآن زمین را اشراق می کند "اشرق الارض بنور ربها..." را ندارد لذا باید واسطه در این بین وجود داشته باشد بدین معنا که مجالی برای تجلی نور ایشان در وسعت های محدود به وجود آید، که مردم بتوانند خود را برای حضور آن مقام رفیع آماده کنند

سپس آن عارف روشن ضمیر تأملی کرده و با قاطعیت، جملاتی فرمودند که باعث شد جمع حاضر به وجد آمده و طوفانی از شادی و سرور در دل و جان حضار پدید آید؛

و آن از این قرار بود

قرائن و شواهد نشان می دهد انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ظهور صغرای حضرت بقیه الله الاعظم و بین الطلوین حکومت جهانی امام زمان ارواحنا فداه می باشد

آنگاه این مژده بزرگ را بیان مثال هایی شرح دادند ایشان فرمودند

مثلاً این مراسمات عبادی و معنوی را ببینید روزی در همین شهر قم، اگر چند طلبه به صورت انفرادی و با هزینه شخصی چند روزی اعتکاف می کردند، می گفتیم الحمدلله معنویت در حوزه پیشرفت کرده ولی اکنون می بینیم چند هفته قبل از ایام اعتکاف شاهد جوانانی هستیم که چندین شبانه روز و

در سخت‌ترین شرایط و با کم‌ترین امکانات در مساجد و حرم‌ها معتکف می‌شوند و عمده هدف خود را خودسازی برای آمادگی ظهور اعلام می‌کنند مگر در ایام رژیم گذشته عموم مردم از معارف اهل بیت و ادعیه ایشان این قدر اطلاع داشتند؟!

در روز عرفه در غیر صحرای عرفه شاید خواصی پیدا می‌شدند که دعای عرفه سیدالشهدا را با آن مضامین بلند و عرشی را قرائت می‌کردند؛ اما اکنون چه؟ از ظهر تا عصر عرفه، مساجد، حرم‌ها و خیابان‌های اطراف و رسانه‌ها بسیج می‌شوند تا میلیون‌ها انسان اعم از نوجوان و جوان و پیر و زن و مرد و عامی و عالم در کنار هم نشسته و با ناله و تضرع، این دعای به این حجم را قرائت می‌کنند، این‌ها فرج امام زمان نیست، پس چیست؟

زمانی بر این ملت گذشت که حتی در میان خواص کمتر کسی پیدا می‌شد که بتواند قرآن را از روی مصحف، به درستی قرائت کند تا چه رسد به درک معانی و معارف قرآن اما اکنون می‌بینیم که در سراسر کشور ده‌ها هزار حافظ و قاری قرآن تربیت شده‌اند که به دنبال درک حقائق قرآن و عمل به آن‌ها هستند، آیا این‌ها جلوه‌های ظهور نیست؟

نماز جمعه‌ها، راهپیمایی‌ها، جهادها و شهادت‌ها، احیاء مهدیه‌ها و جمکران، اقبال مردم به دعای ندبه و... همه و همه نشان از یک خیزش عظیم و تحولی بی‌سابقه در تاریخ تشیع و همه جلوه‌هایی از ظهور صغری است.

انقلاب اسلامی ایران

ظهور برنامه‌ای، شخصیتی و حقوقی حضرت مهدی موعود(عج) بوده و ظهور جهانی و اصلی حضرت، ظهور شخصی و حقیقی ایشان می‌باشد هر کس هر کاری می‌خواهد

در دوران ظهور انجام دهد الان شروع کند چون وقتش فرا رسیده و زمینه‌اش از هر جهت آماده است.¹

نظر امام خمینی درباره ظهور

آقای بشارتی گفته است:

در تابستان سال 1358 هنگامی که مسئول اطلاعات سپاه بودم، گزارشی داشتیم که آقای [سید] «کاظم» [شریعتمداری در مشهد گفته است: من بالاخره علیه امام [خمینی] اعلام جنگ می‌کنم

خدمت امام رسیدم و ضمن ارائه گزارشی، خبر مذکور را هم گفتم. ایشان سرش پایین بود و گوش می‌داد، این جمله را که گفتم، سر بلند کرد و فرمود

این‌ها چه می‌گویند، پیروزی ما را خدا تضمین کرده است. ما موفق می‌شویم، در اینجا حکومت اسلامی تشکیل می‌دهیم و پرچم را به صاحب پرچم می‌سپاریم. پرسیدم: خودتان؟ امام سکوت کردند و جواب ندادند

(خاطره‌ها، آیت الله ری شهری، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد اول، صفحه 242)

منبع: جهان نیوز به نقل از کانون مهدویت دانشگاه فردوسی مشهد¹